

مسئولیت بین المللی دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی همراه با تحلیل رای دیوان بین المللی

دادگستری در قضیه ی کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران

نگارنده: هاجر راعی دهقی<sup>۱</sup>

چکیده

در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ عده ای از دانشجویان ایرانی، سفارت ایالات متحده امریکا را اشغال کردند. به دنبال آن ایالات متحده امریکا، دادخواستی به طرفیت جمهوری اسلامی ایران و با موضوع اشغال سفارت و کنسول گری هایش در ایران در دیوان ثبت کرد و به مسئولیت بین المللی دولت ایران اشاره کرد. در این نوشتار با توجه به ارکان مسئولیت بین المللی دولت، رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه ی کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران تحلیل می شود. در این رای دیوان استدلالات خود را برای انتساب اعمال انجام شده در سفارت ایالات متحده امریکا و کنسولگری های آن در شیراز و تبریز به دولت ایران بیان می کند و در نتیجه در ادامه خواهیم دید دولت ایران را از نظر بین المللی مسئول می خواند. دیوان مبنای صلاحیتی خود را برای رسیدگی به این پرونده کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در زمینه روابط دیپلماتیک و کنسولی و معاهده مودت، بازرگانی و حقوق کنسولی میان ایالات متحده و ایران ۱۹۵۵ قرار می دهد و در نهایت در ۲۴ می ۱۹۸۰ اقدام به صدور رای رای کرد.

کلید واژه ها :

مسئولیت بین المللی دولت، سفارت، کنسولگری، اشغال، دیوان بین المللی دادگستری

---

<sup>۱</sup>. کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ ایالات متحده دادخواستی به طرفیت جمهوری اسلامی ایران و با موضوع اشغال کنسولگری های تبریز و شیراز ( بند ۱۹ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰) و سفارت امریکا در تهران و گروگان گیری و محبوس نمودن اعضای سیاسی و کنسولی ایالات متحد در تهران و دو تبعه ی دیگر این کشور در ۴ نوامبر همان سال در دیوان به ثبت رساند و از دیوان تقاضای صدور قرار موقت نمود. دیوان در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹ اقدام به صدور قرار موقت کرد و از ایران برای شرکت در جلسات رسیدگی دعوت به عمل آورد. جمهوری اسلامی ایران در جریان رسیدگی دیوان به قضیه حضور نیافت (بند ۵ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰) و تنها وزارت امور خارجه با ارسال دو نامه در ۹ دسامبر ۱۹۷۹ و ۱۶ مارس ۱۹۸۰ اظهار داشت که دیوان نمی تواند و نباید به دعوا رسیدگی کند، چرا که این قضیه جزئی از یک رابطه ی کلی، یعنی رابطه ی چند ده ساله ی ایران و امریکاست و نمی تواند مستقل از آن در نظر گرفته شود . (بند ۱۰ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰).<sup>۲</sup> با این وجود دیوان بر اساس بند ۲ رای ۱۹۸۰ صلاحیت خود را احراز کرد. دیوان با استناد به ماده ی ۵۳ اساسنامه و پس از احراز صلاحیت، شروع به رسیدگی کرد.

دولت آمریکا طی دادخواست تسلیمی از دادگاه خواسته بود که اعلام بدارد :

الف . دولت ایران به خاطر تساهل ، تشویق و عدم جلوگیری و تنبیه کسانی که در «بیان حقایق» این دادخواست ذکر شده است تعهدات بین المللی خود را به موجب کنوانسیونهای مشروحه ی زیر نقض کرده است :

- مواد ۲۸ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۶ و ۴۰ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین راجع به روابط دیپلماتیک .
- مواد ۲۲ ، ۲۴ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۳۷ و ۴۷ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به روابط کنسولی .
- مواد (۴) ۲ ، ۸ ، ۱۸ و ۱۹ عهدنامه ی مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ایران و ایالات متحده ی امریکا مورخ ۱۹۵۵ .

۱. کلیبار، کلود آلبر، نهادهای روابط بین الملل، ج ۱، سیر تحول حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی و موجودیت بین المللی، ترجمه ی دکترهدایت ا... فلسفی، نشر نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰

- مواد ۴ و ۷ کنوانسیون ۱۹۷۳ وین راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه افراد مورد حمایت بین المللی از جمله دیپلماتها .

- مواد (۳) ۲ ، (۴) ۲ و ۳۲ منشور ملل متحد . (بند ۶ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

ب . به موجب تعهدات حقوقی بین المللی فوق، دولت ایران متعهد است که فوراً اتباع ایالات متحده را که در دا سفارت امریکا تحت بازداشت قرار دارند آزاد و خروج آن ها به همراه دیگر اتباع امریکایی از تهران را تضمین کند .

ج . دولت ایران به خاطر نقض تعهدات بین المللی خود باید مبلغی به عنوان غرامت ، که میزان آن توسط دیوان تعیین خواهد شد ، به دولت امریکا بپردازد .

د . دولت ایران کسانی را که مرتکب جرم علیه سفارت و کارمندان آن و نیز سرکنسولگری های امریکا شده اند جهت تعقیب به مقامهای صالحه ی خود تسلیم کند<sup>۳</sup>. (بند ۸ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

#### ۱. صدور قرار تأمینی

در این مرحله از رسیدگی دادگاه با مشکلی از نظر صلاحیت مواجه نبود، زیرا مواد یک پروتکل های ضمیمه ی کنوانسیونهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین ناظر بر روابط دیپلماتیک و کنسولی را مبنای صلاحیت خود قرار داد و به بررسی دیگر اسناد مورد اشاره راجع به صلاحیت نیازی احساس نکرد و مواد مذکور را برای احراز خود صلاحیت خود کافی دانست ؛ زیرا دولت های ایران و ایالات متحده ی امریکا هر عضو کنوانسیون های مذکور و پروتکل های اختیاری منضم به آنها در خصوص پذیرش صلاحیت اجباری دیوان جهت رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای کنوانسیون ها بودند.<sup>۴</sup> (بند ۵۰ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰) علاوه بر این

---

۲. محبی ، محسن، ۱۳۸۷ : بیانیه های الجزایر، دیوان داوری ایران - ایالات متحده ، تهران : فردافر

۳. Reports of Judgments , Advisory opinions And orders Case Concerning United States Diplomatic And Consular Staff In Tehran 1980.

مقررات عهدنامه مودت در مورد ارجاع اختلافات ناشی از تفسیر و اجرا هم چون کنوانسیون های مودت عمل کرده است.

همچنین، دیوان ایرادهای وارده از سوی ایران را بررسی کرد و آن ها را قابل قبول ندانست. دیوان اعلام داشت که قضیه ی گروگان ها یک موضوع ثانوی نیست و هیچ مقرراتی وجود ندارد که دیوان را از رسیدگی به یک جنبه از قضیه، که ممکن است دارای جوانب دیگر نیز باشد، منع کند.

دیوان در قرار تأمینی که در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹ (فقط شانزده روز پس از تسلیم شکایت از سوی آمریکا) صادر کرد از ایران خواست که فوراً گروگان ها را آزاد کند و ساختمان سفارت را به دولت حافظ منافع آمریکا تسلیم کند. همچنین، در این قرار از ایران خواسته شده بود که احترام به مقررات حاکم بر روابط دیپلماتیک و کنسولی را تضمین نماید. و در نهایت از ایران و آمریکا خواسته شده بود که به اقدامی متوسل نشوند که اوضاع را وخیم تر سازد. (بند ۳ و ۴ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

## ۲. مبانی مسئولیت بین المللی دولت

موضوعات مربوط به مسئولیت بین المللی دولت توجه دیوان دائمی بین المللی دادگستری و دیوان بین المللی دادگستری (که بعد از این دیوان نامیده می شود) را به خود جلب نموده است. موضوعات مربوط به مسئولیت دولت نزد دیوان به چند دسته بزرگ تقسیم می شوند. اولاً آیا اقدامات مورد نظر واقعاً منتهی به مسئولیت دولت اقدام کننده می گردد؟ ثانیاً اگر دولت خوانده مسئول تخلف بین المللی است، جبران خسارت مناسب چیست؟ ثالثاً تا آنجا که به تعیین شیوه های جبران در مقررات راجع به مسئولیت دولت مربوط می شود آیا علت مادی در تعیین صلاحیت دیوان هم مستلزم صلاحیت است؟ و رابعاً دسته ای که اخیراً مطرح شده این است که رابطه بین مقررات مربوط به مسئولیت دولت و قانون ماهوی مناسب دیگر در یک قضیه خاص چه می باشد؟

برای تحقق مسئولیت بین المللی دولت چهار شرط در حقوق بین الملل عمومی مقرر شده است:

۱. نقض یک تعهد بین المللی و به تعبیر دیگر ارتکاب یک عمل نامشروع.

۲. تحقق ضرر.

۳. وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ضرر.

۴. قابلیت انتساب عمل زیان آور به یک ارگان مسئول دولتی.

شرط اخیر شرطی بسیار مهم در مسئولیت بین المللی دولت است. هر گاه خواهان نتواند اثبات کند که عمل زیان آور، منتسب به یکی از ارگان های دولت بوده است، حکم به مسئولیت دولت و جبران خسارت وارده صادر نخواهد شد.

از اوایل دهه ۱۹۷۰، یافته های ادواری دیوان در مقوله مسئولیت دولت انجام شده است. طرح کمیسیون حقوق بین الملل اخیراً با برخورداری از نظرات عالمانه و جالبی که در پیش نویس تنظیمی کمیسیون مذکور راجع به مسئولیت دولت منعکس گردیده است در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ در قالب قطعنامه مجمع عمومی<sup>۵</sup> سازمان ملل تصویب شد. اینکه آیا بین تصمیمات دیوان و طرح کمیسیون حقوق بین الملل همزیستی وجود دارد یا نه، بر عهده دیگران است. البته بایستی گفت طرح مواد راجع به مسئولیت بین المللی دولت به عنوان تدوین قواعد حقوق بین الملل عرفی تلقی شده است.

### ۳. اصل عدم مسئولیت بین المللی دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی

یک نکته در حقوق بین الملل مسلم است و آن این است که دولت مسئول اعمال افراد خصوصی نیست و نیز دولت مسئولیت اعمال توده های مردم را که شورش کرده و در ضمن شورش، بدون اینکه دولت کنترلی بر آن داشته باشد، خسارتی به بیگانگان آورده اند بر عهده ندارد. البته، یک استثنا بر این اصل وارد است: یک دولت انقلابی مسئول اعمال انقلابیون و شورشیان پیروز تلقی می شود. اما این استثنا هم حدود و قیودی دارد که باید مورد توجه واقع شود.

<sup>5</sup> . Resolution of the United Nations General Assembly on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (adapted on 12 December 2001)

ماده ۱۰ طرح پیش نویس مواد به راجع به مسئولیت دولت ها برای افعال متخلفانه بین المللی، ۲۰۰۱ :

" ۱- رفتار یک جنبش شورشی که حکومت جدید را در یک دولت تشکیل می دهد به موجب حقوق بین الملل فعل آن دولت تلقی می شود.

۲- رفتار یک جنبش، خواه شورشی یا غیر آن که موفق به ایجاد دولت جدید در بخشی از قلمروی دولت سابق یا در قلمرو تحت اداره آن می شود به موجب حقوق بین الملل فعل دولت جدید تلقی می شود.

۳- این ماده به قابلیت انتساب هر گونه رفتاری به دولت که به هر شکل به آن جنبش مربوط بوده و به موجب مواد ۹-۴ فعل آن دولت تلقی می شود خدشه ای وارد نمی کند. "

اصل عدم مسئولیت دولت در قبال اعمال و رفتار اشخاص خصوصی در دکترین، عملکرد دولت ها و رویه قضایی بین المللی مورد تأیید و تاکید قرار گرفته است. با این حال ممکن است این اعمال زمینه ساز مسئولیت بین المللی دولت گردد و آن هنگامی است که مقامات دولتی در خصوص پیش بینی و پیشگیری از آن اعمال و یا مجازات مرتکبین آن اهمال و قصور نمایند. در این صورت اشخاص خصوصی مسئول اعمال و رفتار خلاف خود و ماموران دولت نیز صرفاً مسئول کوتاهی و قصور در انجام وظایف خویش می باشند.

در زمینه اعمال و رفتار خلاف حقوق اشخاص خصوصی دو نظریه از دوران قدیم وجود داشته است:

در نظریه اول که مبتنی بر تجربه های تاریخی در جوامع ابتدایی است، فعل یا ترک فعل خلاف یک فرد در آن اجتماع، زمینه ساز مسئولیت تمام افراد آن جامعه در برابر اجتماع دیگر را فراهم می کرد و جامعه مذکور (زیان رساننده) با کیفر دادن مقصر می توانست از خود رفع مسئولیت نماید.

نظریه دوم که متخذ از حقوق رم است، برای نخستین بار توسط گروسیوس بیان شد و براساس آن رئیس یک جامعه مسئول فعل یا ترک فعل خلاف افراد می باشد؛ چون او با قدرت خویش به عنوان مظهر جامعه تلقی می شود و در نتیجه باید مسئولیت افراد آن را عهده دار گردد. مسئولیت رئیس کشور زمانی منتفی است که

واردکننده خسارت به جامعه دیگر، را مجازات نموده یا او را به جامعه زیان‌دیده تسلیم نماید. بعلاوه رئیس کشور تدابیر و اقداماتی را پیش بینی کند تا افراد نتوانند به دولت های دیگر یا به اتباع آنها خسارت وارد کنند.

۴. مسئولیت بین المللی دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی همراه با تحلیل رای دیوان بین المللی

#### دادگستری در قضیه ی کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده آمریکا در تهران

در قضایای خاص، انتساب رفتار دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی مورد توجه قرار گرفته است. در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، سفارت ایالات متحده در تهران توسط کسانی که دیوان آنها را (مبارز) نامیده، اشغال گردید.<sup>۶</sup> ایالات متحده آمریکا مدعی شد که ایران هر دو کنوانسیون در مورد روابط کنسولی (از این پس کنوانسیون کنسولی<sup>۷</sup>) و عهدنامه مودت ۱۹۵۵<sup>۸</sup> را نقض کرده است. دیوان حکم داد که گرچه حمله به سفارت و نیز کنسولگری در فردای آن روز (نمی تواند خودبخود قابل انتساب به دولت ایران باشد) اما ایران به تعهداتش بر اساس کنوانسیون های دیپلماتیک<sup>۹</sup> و کنسولی به ویژه در رابطه با اقدامات مناسب برای حفاظت از ساختمان های سفارت و کنسولگری عمل نکرده است. هم چنین دیوان در مورد صلاحیت خود چنین بیان می دارد: "دعوایی که مربوط به مسائل دیپلماتیک و کنسولی و بازداشت اشخاص مورد حمایت بین المللی باشد و همراه با تفسیر و اجرای کنوانسیون های چند جانبه تدوین کننده حقوق حاکم بر روابط دیپلماتیک و کنسولی باشد، دعوایی است که ذاتاً در صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری است." (بند ۳۴ و ۱۴ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰). دیوان بین المللی دادگستری اعلام می کند هر دو کشور ایران و ایالات متحده عضو کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین می باشند و دیوان در رابطه با دعوای ناشی از این کنوانسیون ها صلاحیت

---

<sup>6</sup> . United States Diplomatic And Consular Staff In Tehran, Judgments , ICJ Reports 1980.

<sup>7</sup> . Vienna Convention on Consular Relations . The Convention, done at Vienna on 24 April 1963 entered into forced on Mavche 1967.

<sup>8</sup> .Treaty of Amity , Economic Relations , and Consular Right between the United States of American and Iran, done at Tehran on 15 August 1955 , entered into forced on 15 June 1957.

<sup>9</sup> . Vienna Convention on Diplomatic Relations . The Convention, done at Vienna on 18 April 1961, entered into forced on 24 April 1964.

اجباری دارد. علاوه بر این ایران در هیچ کدام از مذاکراتش با دیوان اعلام نکرده، که این کنوانسیون ها میان دو دولت لازم الاجرا نمی باشد.

#### ۱. نگرش دیوان به حوادث ۴ نوامبر ۱۹۷۹

دیوان خاطر نشان می سازد که دولت ایران را نمی توان مستقیماً مسئول رفتار دانشجویان دانست، مگر آنکه ثابت شود دانشجویان، خود عوامل دولت ایران می باشند، در حالی که اطلاعات به دست آمده برای اثبات دقیق و قطعی این امر کافی نمی باشد و دیوان چنین امری را احراز نکرده است. مع ذلک دولت ایران به عنوان دولت پذیرا می باید قاعداً ترتیباتی برای حفظ و حمایت از سفارتخانه اتخاذ می نمود. اما دولت ایران برای جلوگیری از حمله و دفع آن هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورده و دانشجویان را ملزم به تخلیه ی محل سفارت و آزاد ساختن گروگان ها ننموده است. و لذا قصور دولت ایران محرز است. حال آنکه دولت ایران در موارد مشابه اقدامات لازم و کافی را انجام داده است. (در ۱۴ فوریه ۱۹۷۹ با سقوط دولت بختیار آخرین نخست وزیر منتخب شاه، گروهی از نظامیان به سفرای ایالات متحده امریکا حمله و آنها را دستگیر کردند. در این حادثه دو نفر از کارکنان سفارت کشته شدند و خسارات جدی به سفارت وارد شد. با وجود این که مقامات ایرانی قادر به پیشگیری از این حادثه نبودند اقدامات فوری برای کمک به سفیران مورد حمله انجام دادند. آقای یزدی به همراه نیروهای پلیس ملی کنترل سفارت را به سفیران ایالات متحده باز گرداند. و در ۱۱ مارس ۱۹۷۹ سفارت امریکا نامه ای از نخست وزیر وقت آقای بازرگان دریافت کرد که در آن برای حمله به سفارت اظهار تأسف می کند. (بند ۱۴ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰). در این مورد می توان گفت رفتار افراد خصوصی قابل انتساب به دولت نبوده است و رفتار بعدی دولت به گونه ای بوده است که انتساب این اعمال را به خود منتفی کرده است. )

در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ هنگامی که معترضان اطراف سفارت امریکا تجمع کرده بودند گزارش شده است که نیروهای امنیتی ایرانی اطراف سفارت ناپدید شدند و هیچ تلاشی برای بازداشت یا جلوگیری معترضان از تصرف سفارت انجام ندادند. (بند ۱۷ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰). در این مورد بایستی گفت دولت ایران در اجرای



تعهدات خود بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در خصوص حفاظت از سفارت که از لحاظ بین المللی دارای مصونیت است خوداری کرده است.

زمانی که متعرضان اطراف سفارت تجمع کرده بودند درخواست های متعددی برای کمک از وزیر امور خارجه ایران و مقامات ایرانی شد. علی رغم این درخواست های مکرر هیچ نیروی امنیتی برای آرام کردن اوضاع و حفاظت از سفارت فرستاده نشد. و زمانی که نیروهای پلیس به صحنه آمدند تنها وظیفه خود را حفاظت از گروگان گیرها و دانشجویان می دانستند و هیچ تلاشی برای متقاعد کردن معترضان برای خاتمه اعمالشان علیه سفارت صورت نگرفت. (بند ۱۸ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰).

بنابراین دیوان به این نتیجه می رسد که در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، مقامات دولت ایران از تکالیفی که عهدنامه های جاری به عهده ی آنها گذاشته اند، آگاهی داشته و می دانسته اند که باید از این قبیل تهاجمات ناروا جلوگیری به عمل آورند، ولی عالمأ از انجام هرگونه اقدامی خودداری ورزیده اند. (بند ۲۹ و ۳۳ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰).

امتناع دولت ایران از حمایت از سفارتخانه ی ایالات متحد و کارکنان مستقر در آن برابر مواد ۲، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۹ معاهده ی ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک و مواد ۵ و ۳۶ معاهده ی ۱۹۶۳ وین در مورد روابط کنسولی و نیز بند ۴ ماده ی ۲ معاهده ی ۱۹۵۵ مودت نقض آشکار تعهدات این کشور نسبت به ایالات متحد تلقی می گردد.

## ۲. نگرش دیوان به حوادث پس از ۴ نوامبر ۱۹۷۹

این قسمت به جریاناتی مربوط است که ایالات متحد با تکیه بر آنها دادخواست خود را ارائه نموده است. این جریانات شامل یک سلسله از رخدادهایی است که بعد از اشغال سفارتخانه توسط دانشجویان مسلمان صورت پذیرفته است. چرا که دولت ایران علاوه بر اینکه در مورد شکستن حریم سفارتخانه و به اسارت درآمدن کارکنان آن هیچ اقدامی به عمل نیاورده بود در حالی که بعداً بسیاری از مقامات ایرانی هم بر این اقدام صحه گذاشته بودند.

امام خمینی (ره) اعلام نموده اند که دولت ایران پشتیبان دانشجویان است. ایشان سفارتخانه را جاسوسخانه نامیده و اعلام کرده اند که گروگان ها به استثناء برخی از آن ها، تا زمانی که شاه سابق و اموالش به ایران بازگردانده نشود، در بند باقی می مانند. ارکان دولت نیز به نوبه ی خود این جریانات را تصویب نموده اند و به منظور فشار آوردن بر آمریکا تصمیم گرفته اند که تا انجام خواسته هایشان این ماجرا ادامه یابد. به همین جهت این رخدادهای به حساب دولت ایران گذاشته می شود، دانشجویان عمال دولت ایران تلقی می گردند و دولت ایران از نظر بین المللی مسئول اعمال آنان است. ماده ۱۱ طرح پیش نویس مواد به راجع به مسئولیت دولت ها برای افعال متخلفانه بین المللی، ۲۰۰۱ :

" رفتاری که به موجب مواد پیشین به دولت منتسب نشود با این وجود به موجب حقوق بین الملل فعل آن دولت تلقی می شود در صورتی که آن دولت آن رفتار را تأیید نموده و آن را هم چون رفتار خویش تلقی می کند.

به نظر دیوان تصمیم مقامات ایرانی دایره بر ادامه ی اشغال سفارتخانه و محبوس نگه داشتن اعضای آن به عنوان گروگان، نادیده انگاشتن معاهدات وین و نقض مواد دیگری از این معاهدات می باشد.

دیگر آن که مقامات مختلف ایرانی بارها گروگان ها را تهدید به محاکمه یا شهادت دادن در دادگاه نموده اند؛ دیوان بر این عقیده است که اگر چنین شود، این مورد مسلماً از موارد نقض ماده ی ۳۱ معاهده ی ۱۹۶۱ دیپلماتیک وین خواهد بود. (با روشن شدن ماهیت واقعی فعالیت های امریکایی ها در سفارتخانه و جاسوسی و نیز ارتباط و هدایت گروه های ضد انقلاب توسط آنها، امام خمینی (ره) چند بار احتمال محاکمه آنها را مطرح نمودند. در ۲۶ آذر ۱۳۵۸ در دیدار خبرنگاران خارجی از زندان اوین و حضور آنان در جلسه حکام شرع و قضات دادگاه های انقلاب اسلامی، آیت الله محمدی گیلانی حاکم شرع گفت :

« محاکمه گروگان ها با کسب اجازه از محضر امام خمینی زیر نظر شورای انقلاب و با نظر حاکم شرع صورت خواهد گرفت و طبق موازین اسلام و با توجه به آیات شریفه قرآن مجید با آنها بر قسط و عدالت رفتار خواهد شد. ولی دیپلمات نماها و جاسوسان از این قاعده مستثنی هستند. جاسوسان از نظر فقه اسلام کیفر شدید دارند و امام مسلمین می تواند جاسوسان را بکشد و یا استرقان (برده) بکند و در هر صورت تصمیم نهایی با امام

مسلمین است و حتی امام می‌تواند آن‌ها را ببخشد و یا آزاد کند. البته در میان این افراد معلوم نیست همه دشمن سرسخت کشور و اسلام باشند و ممکن است در میان آن‌ها افراد بی‌گناهی نیز باشند. آنها می‌توانند وکیلی بگیرند که با موازین فقه اسلام آشنا باشند.<sup>۱۰</sup>»

علی‌رغم تلاش‌های دولت ایالات متحده آمریکا برای مذاکره با مقامات ایرانی، روشن شد که مقامات ایرانی هیچ ارتباط مستقیمی با دولت ایالات متحده آمریکا در خصوص نگه داشتن گروگان‌ها نداشته‌اند. (بند ۲۶ رای دیوان بین‌المللی دادگستری ۱۹۸۰).

### ۳. پاسخ دیوان به نامه‌ی ایران در متن رأی کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران ۱۹۸۰

دولت ایران در جریان رسیدگی دیوان غایب بود و لایحه‌ای نیز برای دیوان ارسال نکرد. تنها اقدام ایران ارسال نامه‌هایی از سوی وزیر امور خارجه‌ی وقت برای دیوان بود که در آن‌ها بدون استدلال حقوقی، خواهان عدم رسیدگی دیوان شده بود.

در قسمتی از نامه‌ی ۹ دسامبر ۱۹۷۹ وزیر امور خارجه‌ی وقت ایران آمده بود:

«دیوان نمی‌تواند و نباید به دعوی ایالات متحده آمریکا که محدود به مسأله‌ی گروگان‌ها شده است رسیدگی کند، برای اینکه این مسأله تنها جنبه‌ی حاشیه‌ای و ثانوی یک مسأله‌ی بزرگتر است و نمی‌تواند جداگانه بررسی شود و آن عبارت است از بیش از ۲۵ سال مداخله‌ی مستمر در امور داخلی ایران توسط ایالات متحده آمریکا، استثمار بی‌شرمانه‌ی کشورمان و جنایات بی‌شماری که علیه ملت ایران برخلاف معیارهای انسانی و بین‌المللی انجام شده است» (بند ۳۳ و ۳۴ رای دیوان بین‌المللی دادگستری ۱۹۸۰).

دیوان در پاسخ به این موضع ایران، معتقد است حتی اگر رابطه‌ی آمریکا با ایران یک رابطه‌ی ظالمانه و پر از اعمال جنایتکارانه باشد، باز هم توجیه‌کننده‌ی حمله به سفارت نیست، چرا که حقوق دیپلماتیک این امکان را فراهم کرده است که در این موارد دولت میزبان روابط سیاسی خود را با دولت مقابل قطع و اعضای

---

۹. روزنامه اطلاعات، (۲۷ آذر ۱۳۵۸)، ص ۲

سیاسی وی را تحت عنوان عنصر نامطلوب<sup>۱۱</sup> اخراج کند. از طرف دیگر دیوان با توجه به اصول حقوقی ذی ربط، اشغال سفارت و توقیف کارکنان آن را مسأله ای حاشیه ای و ثانوی نمی داند و آن را حائز اهمیتی بنیادین می شمارد.

همچنین با توجه به اهمیتی که موضع ایران از حیث حقوقی می توانست داشته باشد، دیوان یادآور شد که اختلافات حقوقی بین دولت ها عمدتاً چارچوبی سیاسی دارد و اغلب یک دعوای حقوقی بخشی از یک اختلاف وسیع تر سیاسی است، اما این موجب نمی شود که دیوان از رسیدگی به دعوای حقوقی و اتخاذ تصمیم نسبت به آن خودداری کند. (بند ۱۳ و ۱۴ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

#### ۴. مسئولیت بین المللی دولت ایران

دیوان بیان می دارد برای احراز مسئولیت بین المللی دولت ایران بایستی دو فاکتور را در نظر گرفت اول این که تا چه حد اعمال مورد بحث قابل انتساب به دولت ایران است دوم اینکه بایستی در نظر گرفت که آیا این اعمال با تعهدات دولت ایران بر اساس معاهدات لازم الاجرا یا دیگر قواعد حقوق بین الملل که ممکن است قابل اجرا باشند سازگارند یا نه؟ که هر کدام از آنها به صورت جداگانه بررسی می شوند. (بند ۵۶ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

در مورد فاکتور اول بایستی گفت با گروگانگیری سفراء و تصرف اموال و اسناد آنها و هم چنین عکس العمل مقامات ایرانی، این اعمال قابل انتساب به دولت ایران است. حدود سه ساعت هیچ نیروی پلیس یا نظامی و یا مقامات رسمی برای مداخله و توقف این اعمال حاضر نشدند. نتیجه حمله، خسارت قابل توجه به سفارت و اموال آن، از بین رفتن آرشیوها و سایر اسناد و مهم تر از همه بازداشت همراه با زور پرسنل دیپلماتیک و کنسولی بعنوان گروگان بود. (بند ۵۷ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

هیچ مدرکی دال بر اینکه معترضان در قالب وضعیت رسمی به عنوان نماینده یا ارگان دولت ایران عمل کرده باشند وجود ندارد. از اصل این اعمال قابل انتساب به دولت ایران نیست. اما اعمال بعدی دولت از جمله عدم

---

<sup>۱۰</sup> . Persona non grata

دخالت اولیه و انتشار بیانیه های دال بر حمایت از معترضان این اعمال را قابل انتساب به دولت می کند. هم چنین بیان شده است که سخنران معترضان به صراحت به پیام امام خمینی(ره) اشاره می کرده است. اما به نظر بعید می رسد این بیانیه مجوزی برای دانشجویان صادر کرده باشد. با این حال تماس تلفتی امام خمینی(ره) با معترضان و اعلامیه های بعدی نیز قابل توجه هستند. با این حال تمام این موارد این اعمال را از قالب غیر رسمی و مستقل خارج نمی کند. علاوه بر این در مورد اعمال انجام شده در کنسولگری های شیراز و تبریز نیز دلایل کافی برای رسمی بودن آنها نیست در عین حال به دلیل نبود حمایت کافی معترضان پیروز شدند(بند ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

ماده ۸ طرح پیش نویس مواد به راجع به مسئولیت دولت ها برای افعال متخلفانه بین المللی، ۲۰۰۱ :

" رفتار شخص یا گروهی از اشخاص به موجب حقوق بین الملل فعل دولت تلقی می شود در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند. "

در این مورد رفتار معترضان به گونه ای نبوده که به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کرده باشند. به همین دلیل رفتار معترضان از این نظر قابل انتساب به دولت نبوده بلکه آن چیزی که رفتار معترضان را به دولت قابل انتساب می کند، اقدامات بعدی دولت می باشد .

دیوان به این نتیجه می رسد که حمله به سفارت آمریکا در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ و حمله به کنسولگری های شیراز و تبریز نمی تواند به خودی خود قابل انتساب به دولت باشد بنابراین از هر گونه مسئولیتی در این خصوص مبرا می باشد اما ایران طبق کنوانسیون های وین (ماده ۲۱ ، ۲۹، ۲۷، ۲۶، ۲۵، کنوانسیون ۱۹۶۱ وین) مسئولیت حفاظت از سفارت و کنسول گری ها، کارکنان و آرشیو ایالات متحده و آزادی نقل و انتقال کارکنانش را در مقابل هر گونه حمله داشته است. دولت ایران نه تنها به موجب حقوق معاهداتی (کنوانسیون های وین) بلکه به موجب حقوق بین الملل عرفی نیز مسئولیت دارد.(بند ۶۱ و ۶۲ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

عملکرد دولت ایران نقض صریح تعهداتش در قبال ایالات متحده آمریکا بر اساس پاراگراف ۲ ماده ۲۲ و مواد ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴ و ماده ۲۹ کنوانسیون وین در خصوص روابط دیپلماتیک و مواد ۵ و ۳۵ کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در

خصوص روابط کنسولی است و هم چنین با توجه به حمله به کنسولگری های شیراز و تبریز و عملکرد دولت ایران مواد کنوانسیون ۱۹۶۳ روابط کنسولی آشکارا نقض شده است. (بند ۶۷ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

دیوان با توجه به قسمت اول وقایعی که ذکر آن رفت به این نتیجه می رسد که در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ مقامات ایرانی:

الف- از تعهدات خود با توجه به کنوانسیون های لازم الاجرا آگاهی داشته که به موجب آن می بایست از حمله به سفارت، دیپلمات ها و کارکنان کنسولی جلوگیری می کرده اند و امنیت هر یک از این افراد را تأمین می کرده اند.

ب- آگاه بوده اند که در اثر درخواست کمک کارمندان سفارت می بایست اقدامات فوری در حد توان خود انجام میدادند.

به طور مشابه مقامات ایرانی از تعهدات خود برای حمایت از کنسولگری های شیراز و تبریز آگاهی داشته اند. (بند ۶۸ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

قسمت دوم این وقایع مربوط به ادعاهای ایالات امریکا در خصوص یکسری وقایعی است که به دنبال اشغال سفارت امریکا و تصرف کنسولگری های شیراز و تبریز اتفاق افتاد. در ۵ نوامبر ۱۹۷۹ وزیر امور خارجه (آقای یزدی) در یک مصاحبه مطبوعاتی این چنین بیان داشت: عمل دانشجویان مورد تایید و حمایت دولت است زیرا آمریکا خودش مسئول این رویداد است. علاوه بر این در مورد حادثه کنسولگری های شیراز و تبریز بسیاری از مقامات ایرانی از جمله روحانیون، مقامات قضایی، اجرایی، پلیس و مطبوعات این اعمال را تایید کردند. امام خمینی (ره) از دستور به جوانان برای خاتمه اشغال سفارت خودداری کرد در حالی که به جوانانی که کنسولگری عراق را در کرمانشاه اشغال کرده بودند دستور داد هر چه زودتر آنجا را ترک کنند. (بند ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

امام خمینی(ره) در ۱۷ نوامبر ۱۹۷۹ اعلام کرد سفارت ایالات متحده آمریکا مرکز توطئه و جاسوسی بوده است و کسانی که در آنجا علیه حرکت های اسلامی فعالیت می کرده اند از حمایت بین المللی برخوردار نیستند.(بند ۷۳ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

سیاست اتخاذ شده توسط امام خمینی (ره) و سایر مقامات دولتی ایران منجر به تداوم اشغال سفارت و بازداشت گروگان ها بود. بعد از گذشت ۶ ماه از موقعیت مورد توصیف که به وسیله حکم امام خمینی (ره) ایجاد شده بود دیوان دستور موقت ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ را صادر کرد که به موجب آن تخلیه فوری سفارت ایالات متحده و آزادی گروگان ها درخواست شده بود اما به طور رسمی توسط وزیر امور خارجه رد شد و دیگر مقامات ایرانی نیز نسبت به آن بی اعتنایی کردند.(بند ۷۵ و ۷۴ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

نهایتاً نظر دیوان بر این است که ایران با نقض پی در پی مقررات معاهدات ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ و معاهده ی ۱۹۵۵ و قواعد حقوق بین الملل عام به تعهدات خود در قبال ایالات متحده آمریکا عمل ننموده است و از این لحاظ مسئول است. بنابراین نتیجه گرفته می شود که ایران باید خسارات وارد بر ایالات متحد را جبران نماید. مع هذا به علت اینکه ه هنوز این جریانات ادامه دارد و ایران پیوسته معاهدات مذکور را نقض می نماید، دیوان نمی تواند ضمن رأی خود مبلغ خسارت و طرز پرداخت آن را معین کند.

دیوان ضمن این رأی مجدداً به بیان اهمیت اصول و قواعد حاکم بر روابط دیپلماتیک و کنسولی پرداخت و آن ها را یادآوری نموده است. ضمناً دیوان خاطر نشان می سازد که جامعه ی بین المللی باید توجه داشته باشد که چنین جریاناتی پایه های امنیت و سلامت جامعه ی بین المللی را به خطر خواهد انداخت و حاصل زحمات سالیان متمادی مبتکران قواعد حاکم بر روابط دیپلماتیک را نقش بر آب خواهد کرد.(بند ۴۱ و ۴۲ رای دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

سرانجام در ۲۴ مه ی ۱۹۸۰ به شرح زیر مبادرت به انشاء رأی کرد:

۱) ایران تعهدات خود را نسبت به ایالات متحده نقض کرده است و همچنان نقض می نماید.(۱۳ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف)؛

۲) نقض تعهدات از طرف دولت ایران موجب مسئولیت بین المللی این کشور است (۱۳ رأی موافق در برابر ۲ رأی مخالف)؛

۳) دولت ایران باید هرچه زودتر اتباع محبوس امریکایی را آزاد و محل سفارت را از اشغال خارج کند (اتفاق آراء)؛

۴) هیچ یک از کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده نباید محاکمه شوند یا به عنوان شاهد در دادرسی شرکت جویند (اتفاق آراء)؛

۵) ایران باید خسارت وارد شده به ایالات متحد را جبران نماید (۱۲ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف)؛

۶) نحوه ی جبران این خسارت را، در صورتی که طرفین در مورد تعیین آن به توافق نرسند، دیوان معین خواهد نمود (۱۴ رأی موافق در برابر ۱ رأی مخالف). (بند ۹۵ رأی دیوان بین المللی دادگستری ۱۹۸۰)

### نتیجه گیری

برای تحقق مسئولیت بین المللی دولت چهار شرط در حقوق بین الملل عمومی مقرر شده است:

در مورد اشغال سفارت امریکا و کنسولگری های آن نیز دولت ایران به تعهدات بین المللی خود بر اساس کنواسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی عمل نکرده است .

در ماده ۴۵ کنوانسیون ۱۹۶۱ چنین آمده است :

" در صورت قطع روابط سیاسی بین دو کشور و یا زمانی که مأموریت به طور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است کشور پذیرنده موظف است حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه، اماکن مأموریت و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید. " ۱۲

---

۱۱. جهانگیر منصور، مجموعه قوانین و مقررات جزایی، ج ۲ (تهران:دیدار، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۳۵-۱۰۲۸



در مورد تحقق ضرر بایستی گفت با اشغال سفارت و کنسولگری های سفارت ایالات متحده و بازداشت پرسنل دیپلماتیک و کنسولی آن ضرر آشکاری محقق شد. نتیجه حمله، خسارت قابل توجه به سفارت و اموال آن، از بین رفتن آرشیوها و سایر اسناد و مهم تر از همه بازداشت همراه با زور پرسنل دیپلماتیک و کنسولی بعنوان گروگان بود.

در خصوص انتساب عمل زیان آور به یک ارگان مسئول دولتی دیوان صراحتاً بیان می کند هیچ مدرکی دال بر اینکه معترضان در قالب وضعیت رسمی به عنوان نماینده یا ارگان دولت ایران عمل کرده باشند وجود ندارد. دراصل این اعمال قابل انتساب به دولت ایران نیست. اما اعمال بعدی دولت از جمله عدم دخالت اولیه و انتشار بیانیه های دال بر حمایت از معترضان این اعمال را قابل انتساب به دولت می کند .

منابع

منابع فارسی

۱. حیدری، اصغر، تسخیر لانه جاسوسی امریکا و سفر کمیسیون تحقیق سازمان ملل به ایران، مجله پانزده خرداد، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۸.

۲. قاسمی شوب، احمد علی، مسئولیت بین المللی دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی، مجله مصباح، بهمن و اسفند ۱۳۸۴، شماره ۶۱.
۳. واحد تحقیق دفتر خدمات حقوقی بین المللی، مسئولیت بین المللی دولت در نتیجه اعمال افراد، مجله حقوقی، شماره سیزدهم.
۴. هیگینز روزالین، ترجمه دکتر علی قاسمی، دیوان بین المللی دادگستری: موضوعات منتخب درباره مسئولیت دولت، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت امور حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ۱۳۸۵، شماره ۳۴.
۵. کلییار، کلود آلبر، ترجمه ی دکترهدایت ا... فلسفی، نهادهای روابط بین الملل، ج ۱، سیر تحول حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی و موجودیت بین المللی، نشر نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰
۶. روزنامه اطلاعات، (۲۷ آذر ۱۳۵۸)

منابع لاتین

1. Reports of Judgments , Advisory opinions And orders Case Concerning United States Diplomatic And Consular Staff In Tehran 1980 .
2. Resolution of the United Nations General Assembly on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (adapted on 12 December 2001)
3. Vienna Convention on Consular Relations . The Convention, done at Vienna on 24 April 1963 entered into forced on Mavche 1967.
4. Treaty of Amity , Economic Relations , and Consular Right between the United States of American and Iran, done at Tehran on 15 August 1955 , entered into forced on 15 June 1957.
5. Vienna Convention on Diplomatic Relations . The Convention, done at Vienna on 18 April 1961, entered into forced on 24 April 1964.